



۶۰

۶ آذر ۱۳۹۱
۲۶ نوامبر ۲۰۱۲

همبستگی

نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

سردبیر: نازنین صدیقی

hambastegiifr@gmail.com

www.hambastegi.org

The paper of International Federation of Iranian refugees

Asylum Right is a Human Right



شهناز مرتب

مصاحبه نشریه همبستگی با شهناز مرتب دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان

همبستگی: اخیراً تحصنی در اعتراض به شرایط سخت پناهندگان در آلمان در شهر فرانکفورت صورت گرفته بود برای خوانندگان نشریه همبستگی توضیح دهید آیا در سیاست پناهنده پذیری دولت آلمان تغییراتی ایجاد شده که در ۷-۸ ماه گذشته این همه اعتراضات را در پی داشته است؟ اگر ممکن است در جواب به همین سؤال خیلی مختصر به ریشه و تاریخچه اوجگیری اعتراضات پناهندگی در سال جاری هم برگردید؟

شهناز مرتب: اگر بخواهم به

ادامه در صفحه ۹

گزارش برگزاری کنفرانس فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد استکهلم

خود را از دست داده اند و با خوشامد گویی به شرکت کنندگان و خواندن آئین نامه، کار خود را آغاز کرد. ابتدا سارا نخعی گزارشی را از فعالیت های دوره گذشته فدراسیون به کنفرانس ارائه داد. سارا نخعی گفت: فکر نمی کنم گزارشی که من به کنفرانس ارائه می دهم برای شما نا آشنا و غیر واقعی باشد. وی گفت: من یک گزارش تصویری هم آماده کرده ام که سعی می کنم در همین بخش از گزارش به کنفرانس معرفی کنم. سارا نخعی در ادامه صحبت های خود به فعالیت های بسیار با ارزش و تعیین کننده در سرنوشت پناهجویان



کنفرانس روز یکشنبه ۲۸ اکتبر کنفرانس با اعلام یک دقیقه سکوت توسط سارا نخعی دبیر فدراسیون استکهلم به یاد پناهجویانی که در راه پناهندگی و اقدام برای یافتن محیطی امنتر جان

ادامه در صفحه ۶



اطلاعیه شماره ۴

صدها نفر در تظاهرات حمایت از پناهجویان متحصن در فرانکفورت شرکت کردند!

اوکیویای فرانکفورت، کاروان هیچ انسانی غیر قانونی نیست، شورای پناهندگان در استان هسن، "نو بورده" از شهرهای فرانکفورت، ماریبورگ، گیسن، حزب پیراتن، حزب سبزها، حزب

روز شنبه ۳ نوامبر تظاهرات صدها نفری در حمایت از تحصن و مبارزات جاری پناهجویان در شهر فرانکفورت آلمان برگزار شد. این تظاهرات را فدراسیون، احزاب و سازمانهای

ادامه در صفحه ۱۱



عبدالله اسدی

asadiabe@gmail.com

یک سؤال از عبدالله اسدی

اگر خوانندگان نشریه همبستگی دقت کرده باشند مدتی است برای هر شماره نشریه همبستگی سئوالاتی را با عبدالله اسدی مطرح می کنیم.

تجربه تانکونی برای طرح این سئوالات برای متقاضیان پناهندگی بسیار سودمند و با ارزش بوده و مورد استقبال آنها قرار گرفته است. در این شماره نیز سئوالی را به شرح زیر با وی در میان میگذاریم.

همبستگی: یکی از سئوالاتی که در اداره مهاجرت پرسیده میشود این است که آیا سابقه دستگیری و زندان دارید؟؟ می توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید که چگونه و در چه سطحی باید به این سوال پاسخ داد؟

عبدالله اسدی: می پرسند اگر سابقه زندان دارید چند مورد و در چه

ادامه در صفحه ۱۲

تنها با مبارزه متشکل میتوان از حق پناهندگی برخوردار شد



نمایندگی فدراسیون در نروژ فعالیت خود را آغاز میکند

**به فدراسیون
سراسری
پناهندگان
ایرانی کمک
مالی کنید**

Plusgiro

200974-4

چهارشنبه و جمعه از ساعت ۱۷ تا ۲۰ (۵ تا ۸ بعد از ظهر) از طریق تلفن تماس بگیرید.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

تماس بگیرید. امیدواریم به زودی شاهد تشکیل واحد فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در نروژ باشیم.

تلفن تماس: ۰۰۴۷ ۹۵۹۳۸۲۷۴

ایمیل: flyktning.norge@yahoo.com

برای مشاوره با نماینده فدراسیون میتوانید روزهای

شد تا بدینوسیله نمایندگی فدراسیون در نروژ را اعلام کنیم. تشکیل نمایندگی فدراسیون را به بهمن قربانی عزیز و پناهجویان در کشور نروژ تبریک می گوئیم.

متقاضیان پناهندگی در نروژ می توانند با بهمن قربانی با شماره تلفن و آدرس ایمیل زیر

به اطلاع میرسانیم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، نمایندگی خود را در کشور نروژ اعلام می کند.

مدتی بود که در نروژ و در بدترین شرایط پناهندگی جای واحد فدراسیون خالی بود. خوشبختانه با اعلام آمادگی بهمن قربانی این امکان ایجاد

خطوط کلی دستورالعمل شش ماهه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

که به سرعت فعالین دیگر را هم فرسوده و از کار بیاندازد. نمی دانم چقدر زور و ابتکارمان کفایت می کند ولی باید فدراسیون را از چنین وضعیتی بیرون بکشیم و به یک سازمان منضبط تر و قابل اتکاتر و دارای یک رهبری منسجم مبتنی بر تقسیم کار لازم تبدیل کنیم. دبیر فدراسیون باید دست و بالش آزاد شود تا بتواند بچرخد و به کمبودهای کار واحدها رسیدگی کند؛ با آنها جلسه بگیرد و وظایف بالای فدراسیون را سازمان بدهد. حجم مشاوره ها باید از روی دوش دبیر کم شود و برای جبران آن روشهای دیگری را جایگزین کند.

۵- فدراسیون باید برای ترمیم و گسترش مشاوره با پناهجویان و متقاضیان پناهندگی در شش ماه آینده چند قلم کار اساسی و مهم را در دستور فعالیت خود قرار دهد:

مسائل پناهندگی به نوعی به خود من تحمیل شده است. ولی ادامه این وضع به نفع فدراسیون نیست منظورم ادا این نیست که کارهای ما در ۴-۳ سال گذشته جوابگو نبوده و یا خیلی ضعیف کار کرده ایم؛ واقعیت این است که اگر ۲۴ ساعته به تلفنهای جواب نمی دادیم و اگر به نامه های فراوان مردم به بهترین وجه پاسخ نمی دادیم و با کمترین نیرو جلو دیپورت پناهندگان را سد نمی کردیم الان نمی توانستیم با حرارت و افتخار از فعالیت های این سازمان در دفاع از حقوق پناهندگان تعریف کنیم.

اما این نوع فعالیت ها فرسوده کننده است و بسیاری از فعالین ما در این راه فرسوده شدند و اگر این همه عرصه کاری بدرست سازماندهی نشود و اگر هرکس به اندازه توانش در این تقسیم کار سازمان پیدا نکند و می رود

فدراسیون در پرونده فردی آنها دخالت می کند.

۲- نشریه همبستگی باید به طور روتین هر دو هفته یکبار منتشر شود. در طول یک سال و نیم اخیر نازنین صدیقی این نشریه را به تنهایی منتشر میکرد. با توجه به اینکه نویسندگان نشریه اکثرا غیر حرفه ای هستند، ادیت مطالب، بسیار وقتگیر و طاقت فرسا بوده است و همچنین بخاطر مسئولیت های متعددی که نازنین دارد گاهی اوقات انتشار نشریه به موقع صورت نمی گیرد. بنابراین لازم است فدراسیون یک تا دو نفر دیگر را به انتشار نشریه همبستگی

۴- من به عنوان دبیر سراسری فدراسیون تا بحال ۲۴ ساعته تلفنم باز بوده و یک تنه به تلفنهای و تقاضاهای کمک پاسخ و به متقاضیان پناهندگی مشاوره داده ام. اگرچه این روش از کار به اجبار و بدلیل عدم وجود کادرهای توانا و مسلط به

این نوشته پلانفرمی است برای فعالیت های دوره آتی فدراسیون.

تلاش رهبری فدراسیون این است که این پلانفرم را مبنای برگزاری کنفرانس های محلی و سراسری خود قرار و این تشکیلات را بر این مبنا سازمان دهد.

۱- سازماندهی یک تیم سه نفره برای تهیه و تنظیم تأییدیه های فدراسیون در ترکیه و کشورهای اروپایی. این تیم با رجوع به پرونده های پناهجویان و پرسشنامه فدراسیون و از راه گفتگو با پناهجویان و در تبادل نظر با هم این عرصه از فعالیت را پیش خواهند برد. این یک عرصه بسیار مهم و تعیین کننده در زندگی پناهجویانی است که

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بپیوندید

کمپین بین المللی آزادی آرمین راد (حسین جواهری نیا) از بازداشتگاه اداره مهاجرت کره جنوبی

آرمین را آزاد کنید

در حمایت از این کمپین و برای جلوگیری از دیپورت آرمین این پتیشن را امضا کنید.

در وبلاگ ویژه کمپین آرمین را آزاد کنید نامه های آماده قرار دارد که میتوانید این نامه ها را برای وزارت دادگستری و کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در کره جنوبی ارسال کرده و از حق اقامت و پناهندگی مخالفین حکومت اسلامی نه تنها در کره جنوبی که در سراسر دنیا حمایت کنید.

برای امضای پتیشن به این آدرس مراجعه کنید:

<http://www.petitions24.com/armin>

برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحه وبلاگ کمپین آرمین را آزاد کنید مراجعه کنید.

<http://freearmin.blogspot.nl>

صفحه فیس بوکی آرمین را آزاد کنید

<http://www.facebook.com/FreeArmin>

جهت کسب اطلاعات بیشتر در باره این کمپین نیز میتوانید با فرشاد حسینی مسئول این کمپین تماس بگیرید.

farshadhoseini@gmail.com

Tel: 0031-681285184

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۲۵ نوامبر ۲۰۱۲



باید تمامی سفارتخانه های کره جنوبی، وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه کره جنوبی زیر باران نامه های اعتراضی شما قرار گیرند. باید دولت کره جنوبی را نیز متوجه کرد که نمیتوانند با جان و امنیت مخالفین سیاسی حکومت جمهوری اسلامی معامله کنند.

دفاع از آرمین فقط دفاع از جان يك انسان، دفاع از يك فعال سیاسی علیه جمهوری اسلامی نیست، بلکه اعتراض به سیاست بیشرمانه دولت کره جنوبی در همکاری با جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزه مردم ایران با رژیم ضد بشری اسلامی نیز هست.

ساختگی مامرین امنیتی در سال ۱۳۷۶ ضربه دیده بود دو بار عمل جراحی کرده و اکنون به عمل سوم نیاز داشته و چنانچه این عمل انجام نگیرد امکان این هست که پایش را برای همیشه از دست دهد.

دیپورت آرمین به ایران بطور قطع به معنی دستگیری و شکنجه و خطر اعدام برای او خواهد بود. دولت کره جنوبی در واقع عملا شریک جنایت و رسماً کنار جمهوری اسلامی ایستاده است. ما همه مردم آزاده و همه سازمانهای مدافع حقوق بشر را فرا میخوانیم تا به این تصمیم دولت کره جنوبی اعتراض کرده و خواهان توقف حکم دیپورت و آزادی فوری او شوند.

میدهد. حسین جواهری نیا که از مدتها قبل با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ارتباط داشته از سال ۱۳۸۴ مسئول واحد کره جنوبی فدراسیون شده و در دفاع از حقوق پناهندگان در کره و علیه جمهوری اسلامی در راستای سیاستها و اهداف فدراسیون به فعالیتهای خود ادامه میدهد.

در سال ۱۳۸۵ حسین جواهری نیا تغییر مذهب داده و از اسلام به مسیحیت رو می آورد اما کماکان فعالیتهای سیاسی خود را نیز ادامه میدهد است.

در سال ۱۳۸۸ همزمان با اوج خیزش انقلابی مردم علیه حکومت آرمین در اعتراضات مردم در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در سئول پایتخت کره جنوبی شرکت کرده که عکسهای او در تظاهرات نیز در رسانه های گروهی کره جنوبی درج میشوند.

از سال ۱۳۸۴ به بعد همزمان با فعالیتهای علنی آرمین در دفاع

از کمپین های سیاسی و پناهندگی فدراسیون بارها به وسیله تلفن و ای میل و همینطور اشخاص وابسته به سفارت جمهوری اسلامی ایران در کره مورد تهدید قرار گرفته بود. آرمین از موقعیت مناسب پزشکی برخوردار نیست آرمین پایش را که در اثر تصادف

آرمین راد (حسین جواهری نیا) يك فعال سیاسی با سابقه فعالیتهای سیاسی وسیعی است که از تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۱۲ در بازداشتگاه اداره مهاجرت در شهر هاسونگ کره جنوبی بازداشت شده و قرار است به ایران دیپورت شود.

آرمین فعالیتهای سیاسی خود را از سال ۱۳۶۵ و در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد او فعالیتهای خود را تا سال ۱۳۷۳ ادامه داد. در این سال دو بار توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر و يك بار به مدت ۱۴ روز و بار دوم بمدت ۲ ماه و نیم در زندان قزوین و زیر شکنجه قرار داشت.

در سال ۱۳۷۶ بر اثر يك تصادف ساختگی توسط نیروهای اطلاعاتی هدف قرار گرفته که در اثر این تصادف پای او آسیب میبیند. آرمین در سال ۱۳۸۲ از ایران فرار کرده و در کره جنوبی درخواست پناهندگی میکند.

درخواست پناهندگی آرمین دو سال بعد در سال ۱۳۸۴ توسط اداره مهاجرت رد میشود. آرمین که در خطر دیپورت بسر میرد از ترس بازگشت به ایران مخفی شده و به زندگی غیرقانونی خود در کره جنوبی ادامه داده و همزمان به فعالیتهای سیاسی خود ادامه



مسعود نصر الهی پور

امتحان: جرم چیست و مجرم در رژیم اسلامی ایران چه کسی است؟

اما این همه صورت مسئله نیست. نقش مهم و اساسی را آن جوانی بازی میکند که ۳۳ سال است به طرق مختلف برای شادی کردن با این نظام ضد شادی می‌جنگد؛ جوانی که حتی "عاشورای حسینی" را تبدیل به "حسین پارتی" میکند. صورت اصلی مسئله را آن زنی تعیین میکنند که با آرایش و "بدحجابی" خود داغ بزرگی بر دل جمهوری اسلامی گذاشته است. در پایان تعیین کننده، ستار بهشتی‌ها و فرزاد کمانگرها و نسرین ستوده‌ها هستند. کسانی که جانشان را میدهند تا بتوانند حرف خود را بزنند.

لطفاً به همه سوالات پاسخ دهید. این پاسخ، انقلاب مردم ایران است. از پای ننشینیم تا مردم ایران را به آزادی که لایق آن هستند برسانیم.

این اتفاق می‌افتد؛ که کسی به جرم نوشتن، جاننشان ستانده می‌شود. می‌گویند مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کنند نسبت به وقوع چنین اتفاق بزرگی در سال ۲۰۱۲ میلادی بی‌تفاوت هستند. می‌گویند همین مردم از اول دهه عاشورا سینه زدن و نوحه خوانی برای سالگرد یک کشته هزار ساله شروع میکنند. کشته‌ای که به بهانه پاس داشتن خونش چه جوانهایی که کشته نشدند و چه ستم‌ها که روا نشد! آیا واقعا چنین است؟؟؟! البته هنوز تعداد زیادی از مردم چنین فکر میکنند و همین مانع به عقب افتادن انقلاب مردمی میشود.

مجازات می‌تواند داشته باشد؟ لطفاً با ذکر مثال توضیح دهید. ۱۰- به نظر شما مطلب نوشتن در یک وبلاگ شخصی (آن هم با بیننده‌های محدود) می‌تواند مشمول مواردی چون اقدام علیه امنیت ملی بشود؟ ۱۱- به جای تمامی سوالهای فوق می‌توانید به سوال زیر پاسخ دهید: قدر جان انسان چیست و چه چیز ضعیف و شکننده‌ای به خطر افتاده است که به خاطر آن جان یک وبلاگ‌نویس را می‌گیرند؟ (۲۰ نمره) جالب است به این نکته توجه کنیم که این بار اولی نیست که

هم در یک جمله بیاورید (۵ نمره) ۴- تشویش چیست؟ ۵- اذهان عمومی را توضیح دهید؟ ۶- لطفاً تشویش و اذهان عمومی را به همراه یکدیگر در یک جمله بیاورید و برای آن معنایی دقیق با توجه به سوالهای ۴ و ۵ استخراج کنید؟ ۷- توهین چیست؟ ۸- سران نظام چه کسانی هستند و چگونه به آنها می‌شود توهین کرد؟ لطفاً با ذکر مثال توضیح دهید. ۹- به نظر شما نشر اکاذیب چگونه جرمی است و چه

احتمالاً جرمش شامل چنین عبارتهایی بوده است: اقدام علیه امنیت ملی، تشویش اذهان عمومی، توهین به سران نظام، نشر اکاذیب و... ۱- لطفاً واژه اقدام را تعریف کنید.

۲- امنیت ملی را تعریف کرده و مثال‌هایی واضح از برهم خوردن امنیت ملی (در سطح یک کشور) ارائه دهید.

۳- با توجه به سوالهای ۱ و ۲، «اقدام» و «امنیت ملی» را با

باز هم خشونت دیگر



امیر شمس

ورشکسته باشد تا این چنین از قلم یک وبلاگ‌نویس معمولی و گمنام بترسد و او را تهدید به سریه نیست کردن کند و سرانجام هم تهدید خود را عملی سازد. جز این است که رژیم سر تا پا مسلح از مقاومت مردمی که خواهان سرنگون ساختن کامل آن هستند، هم خشمگین است و هم چون ریسمان سیاه و سفید از آنها می‌ترسد؟ جز این است که تنها اهرم بقاء خود را در توسل به ایجاد رعب و هراس از طریق اعمال خشونت و تروریسم دولتی می‌داند. اما این هم طولی نمیکشد؛ چرا که تجربه نشان داده که هیچ ظلم و دیکتاتوری نتوانسته ابدی و ازلی باشد.

حمل سنگ گول پیکر توسط سیزیف می‌ماند. بی‌تردید وقوع جنایتی تکان دهنده از نوع آن چه که در مورد ستار بهشتی رخ داد حاکی از وجود مقاومتی است و ولو بظاهر ناپیدا ولی گسترده در اعماق جامعه و در برابر ادغام و بلعیده شدن توسط حکومت آدمخوار حکومت اسلامی و دفاع از آزادی و کرامت انسانی. وقتی ستار بهشتی در واپسین سخنان قبل از دستگیری می‌گوید: "زندگی نمی‌کنیم بلکه بردگی می‌کنیم و مرگ بهتر از این زندگی است"، شاهد جرقه‌های این آتش نهفته در زیر خاکستر هستیم. برآستی یک رژیم تا چه حد باید مفلس و

و همه برای انجام این رسالت و ادغام جامعه در خود است. ادغام جامعه در دولتی بغایت منحط، گوهر همه آن تلاشی است که جمهوری اسلامی با همه تاب و توان خود سالیان درازی است که مشغول بدان است. و چنین است که جنگی نامشهود بین رژیم که در تلاش برای بلعیدن جامعه در خود و جامعه‌ای که از آن سرباز می‌زند جاری است. البته چنین سودائی بخصوص در جهان امروز و در جامعه جوان ما امری نشدنی است و همچون

حاکمین قالب گیری شده و ساخته و پرداخته گردد. بدیهی است که برای انجام این مأموریت الهی هیچ حوزه‌ای از زندگی مردم اعم از خصوصی و عمومی نباید از مداخله آن در امان نیست؛ از رنگ و فرم لباس و عروسی و آرایش تا کنترل عقاید سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تا مطالب یک وبلاگ نویس ساده و گمنام. تشکیل گروههای عفاف و امر به معروف و یا ارتش سایبری و دهها و صدها نهاد مشابه همه

ارتکاب به خشونت و جنایت از بدو شکل گیری حکومت اسلامی بخش لاینفکی از ماهیت آن را تشکیل می‌داده و حیات و مماتش به مصداق نیش عقرب نه از ره کین است بلکه اقتضای طبیعتش این است، در گرو اعمال بی‌وقفه آن بوده است. حکومتی که مردم را صغیرانی می‌پندارد که باید توسط افکار مالیخولیایی



سارا ایرانی

خاطره ای با گشت ارشاد در شیراز

زنگ می زوم و مانعشون میشم. این بود سر گذاشت روزی که تلاش کردیم درست بپوشیم. اونا عقده دارند، چه لباس خوب باشد چه نباشد.

این است رفتار جمهوری اسلامی. روزی هزاران نمونه از این نوع رفتارهای فاشیستی و ضد انسانی اتفاق می افتد. این ها ماموران خود را این طور تربیت کرده اند. به آنها آموزش می دهند تا در امر خصوصی مردم دخالت کنند و رعب و وحشت ایجاد کنند. کارشان همین است و علنا از مردم به بهانه های گوناگون باج گیری می کنند و هر نوع لباس پوشیدن ساده را سیاسی می کنند.

خیر، ما بسیار آبدیده تر از آن بودیم که آنها فکرشو می کردند. از ۱۵ سالگی با آنها و سگهای پاچه گیرشون آشنا بودیم و چهره می رسید. به من گفت: فقط این شماره را یادداشت کن و بگو از بستگان من هستی گفتم: باشه. خلاصه شماره شو روی



Photo: Mahdi Marizad

FARS NEWS AGENCY

مردم تحمیل رعایت شئونات اسلامی را نمی خواهند. دخالت در زندگی خصوصی مردم به هیچ مقام و منصب و مذهبی مربوط نیست. دستگیری و ضرب و شتم و بی حرمتی به مردم به فرهنگ و سنت جاافتاده ای در جمهوری اسلامی تبدیل شده است بطوری که برای سرکوب مردم چاقوکش و لمپن اسلامی تربیت کرده اند و به آسانی دست به هر جنایتی می زنند.

در واقع قانون عصرحجر پیاده کرده اند کار را بجای رسانده اند که در اثر آن به موجی از تنفر و بیزاری علیه خود دامن زده اند. این را فهمیده اند روزی کاسه صبر مردم لبریز می شود و نابودشان می کنند. آن روز نزدیک است.

دستم نوشتم و مامور به مامور دیگره زنگ زد و بعد از چند دقیقه مارورها کردند و رفتند. خلاصه از اینکه نتوانستند مارو ببرن ناراحت و سراسیمه و عصبی شده بودند. داشتیم با ناراحتی و پر از بغض و کینه نسبت به برخورد و رفتار فاشیستی و جنایت کارانه شان بر می گشتم به خونه، یک ماشین در کنار ما توقف کرد.

گفت: خانم من همون هستم که ضمانتون شدم و سوار بشید که برسونمتون چون یکی دیگه از ماشین ها شون هم داره از این طرف میاد ما هم با ترس و لرز سوار شدیم. ولی بالاخره مارو رسوندند به خونه. یکی از آنها گفت: من این مامورین رو میساختم دوستم بودن هر وقت ببینم به دختری جوان گیر می دن

نحس فاطمی کماندوهارو می شناختم. چهره کریهشان زیر نقاب پوشیده بود، فقط از سیبیل های بلندشان و پر پوشتی سیبیلهاشون که نشان از مجرد بودنشان بود می شناختم. از اینکه نتوانستند ما را سوار ماشین کنند و ببرند، تیرشون به سنگ خورده بود و بسیار عصبانی و خودباخته بودند. آنها در این جور مواقع باج گیری میکنند و می خواهند پولی بجیب بزنند یا.....

خلاصه یکی از ماموران مرد گوشی ام را از دست کشید و یک درگیری ایجاد شد یکهو تلفنش به صدا درآمد. گوشی را جواب داد و گفت با شما کار داره گفتم من؟ گفت: آری به شما کار داره. با شک و تردید گوشی را گرفتم. از صدایش پسر جوانی به نظر

کشیدن آجیر و روشن کردن چراغهای قرمز و ترسناکش پیدا شد و درکنار ما توقف کردند. و ما هم با اعتماد به نفس گفتیم: بله بفرمایید. خیالمان راحت بود، فکر میکردیم دیگر جای برای بهانه آنها باقی نگذاشته ایم و آنها نمی توانند مثل همیشه به ما گیر بدهند.

در این فکر بودیم که یکهو یکی از خواهران ارشادی ما رو صدا زد. کمی جلوتر رفتیم. گفت: خانم این چه مانتوی است که پوشیدین خجالت نمی کشی؟ ما هم که بی خبر از همه چیز پیش خودمان گفتیم: ایندفعه دیگه به چی گیر میدید مانتوی من که بلند و گشاد. گفت: این چه رنگیه که پوشیدی؟

گفتم: زنگ سبزه فسفری مگه چشمه؟ گفت: خجالت داره دختر مسلمان در شهادت مولای متقیان علی (ع) باید این رنگ و پیوشه خلاصه کلی ما رو سرزنش و تحقیر کردند درحالیکه فقط با اسم مسلمون تداعی می شدیم و هیچ اعتقادی هم به خدا و پیغمبرشان هم نداشتیم ولی حواسمون نبود که این شب شب شهادته چون اهمیتی برامون نداشت. خلاصه ۴۰ دقیقه روی اعصابمون راه رفتند تا مارو سوار کنند و به بازداشتگاه خلیلی ببرند اما مگه زورشون به ما رسید؟

در یک عصر تابستان با دوستم تصمیم گرفتیم به خیابان برویم. بعد از آماده شدن طولانی که میکاپ و ست کردن لباس (آرایش) با هم از خانه بیرون رفتیم. هدف ما رفتن به خیابان ستارخان بود. ستار خان خیابانی است برای خط زدن و پیاده روی و اذیت کردن؛ خیابانی که دختر و پسرهای جوان برای گذراندن وقت خود به آنجا میروند مشابه خیابان جردن در تهران. خیابان به خانه ما بسیار نزدیک بود بطوری که بعد از طی دقیقه پیاده روی در هوای خوش و دلچسب شیراز به آنجا رسیدیم.

قبل از خروج از خانه داشتیم حسابی با خود کلنجار می رفتیم که چه نوع لباسی بپوشیم مانتوی بلند یا کوتاه؟ دوستم گفت بیا مانتوی بلند بپوشیم حوصله گیر دادن و اعصاب خوردی گشت ارشاد را نداریم. به توافق رسیدیم مانتوی بلند و شال و روسری بلند و ضخیم بپوشیم. به حساب خودمان مانتوهایمان بلند، شالهای ضخیم و شلوارهایمان گشاد است و جای هیچ بهانه ای برای خواهران ارشادی جا نگذاشته ایم. داشتیم همین طوری راه می رفتیم هنوز پنج دقیقه نگذشته بود سروکله گشت ارشاد با

قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست



امیر همت نیا

نه به جمهوری اسلامی

دریایی از خون بهترین فرزندان این مرز و بوم شناور و با سرکوب بیرحمانه زندانیان سیاسی، اقلیت های قومی و مذهبی و استثمار کارگران، زنان و جوانان همچنان به حرکت خود ادامه می دهد.

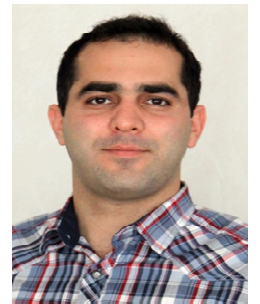
رژیمی برآمده از اعماق قرون برای حفظ نظام دهشتناک اسلامی و ترویج خرافات و دینداری از ابتدای به قدرت رسیدنش تا هم اکنون جز با تکیه

بر سر نیزه و کشتار منتقدین خود نتوانسته است حکومت کند. خمینی دروغگو و جنایت کار جنگ را نعمتی دانست تا به بهانه آن برای تثبیت قدرت خود و رژیم ننگین اسلامیش حمله به مخالفین خود را آغاز کند.

از کشته ها پشته ها ساختند، مرگ عزیزانمان را گروه گروه از رادیو، تلویزیون و مطبوعات وابسته اعلام کردند تا ترس را بر فضای عمومی تزریق کنند. رژیم

آدمکش جمهوری اسلامی در آغاز جنگ برای سرکوب مطالبات مردم و روشن فکران و تثبیت پایه های قدرت خود، مخالفین خود را در بند کرد و پس از پایان جنگ دوباره سراغ زندانیان سیاسی که دوران حکومت خود را می گذراندند رفت؛ نابودی احزاب در دستور کار رژیم قرار گرفت. چوبه های دار را بر پا کردند و جان عاشقترین انسانها که جز رهایی مردم ایران از جهل و ستم چیز دیگری نمی خواستند را گرفتند. طناب های دار وحشت در وزش باد تکان خوردند؛ آن جانهای

شیفته به دار شدند تا رژیم شکافهای پیش آمده در قدرت را وصله و پینه کند و بر بستر ترس همگانی به حیات ننگین خود ادامه دهد. بار دیگر بر خود واجب می دانم به چپاولگران و جانیان حاکم بر ایران این نکته را گوشزد و یاد آوری کنم که شما با زدن شاخه های آزادی که همانا کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی است تنها باعث تنومندتر شدن تنه درخت آزادی می شوید و در آینده نزدیک باید پاسخگوی تمام کشتارها، غارت ها و نابودی های گذشته و آینده مردم آزادیخواه ایران باشید.



مهدی داداش زاده

جمهوری اسلامی و سناریوی تکراری در قتل ستار بهشتی

ویا بر آن درپوش بگذارند، ولی نه تنها در این امر موفق نشده اند بلکه بیش از پیش در پیشگاه مردم وقضاوت عمومی شناخته شده تر و منفورتر شده اند.

دستگیری و شکنجه و سپس قتل ستار بهشتی جوان ویلاگ نویسی که تنها جرمش، نوشتن و انعکاس مشکلات مردم و اعتراض به فرورفتن نظام به منجلا ب فساد و اختلاس بود به صورت گسترده ای در میان توده مردم و رسانه های مختلف بازتاب داشت و مظلومیت این جوان در چنگال جمهوری مستبد اسلامی باعث اعتراضات گسترده ای در میان شبکه های اجتماعی و همینطور سازمانهای حقوق بشری داخلی و خارجی

واقشار مختلف مردم شد. همچنانکه مشاهده شد رسانه ها و عناصر وابسته به رژیم در ابتدا هیچگونه واکنشی نسبت به این جنایت در داخل شکنجه گاههای مخوف خود نشان ندادند و تقریباً در یک سکوت خفت بار فرورفتند.

ولی فشار رسانه ای و جو جامعه، آنها را ناگزیر به پاسخگویی کرد البته از نوع خودشان و بازهم همانند دفعات قبل ابتدا تلاش در انکار و حاشا و سپس سعی در طبیعی جلوه دادن مرگ یا ربط دادن این قتل با عوامل مختلف داشتند که در تماسهای آنها با خانواده ستار بهشتی و سعی در القای جملاتی از قبیل (او دارای بیماری قلبی

بوده و...) یا موضع گیری نمایندگان و عناصر این رژیم در جهات مختلف کاملاً نشان از بازی کثیف و تکراری رژیم می داد. همانند گذشته این بار هم رژیم در باتلاقی که خود درست کرد، گیر افتاد.

آری؛ از گذشته خوب به یاد داریم که در اعتراضات سال ۸۸ یا دفعات قبل و بعد از آن، این ظالمان چگونه جریانات مختلف یا معترض را مسئول یا مرتبط با قتل و کشتار جوانان مردم میدانستند؛ در مواقعی هم وانمود نمودند مرگ کاملاً طبیعی بوده و هیچ دلیل یا عوامل غیر عادی در مرگ زندانی یا فرد مورد نظر مشاهده نشده است همانند جریان قتل

جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم دیکتاتوری و سرکوبگر برای همگان شناخته شده است. موافقان و مخالفان این حکومت هم این حقیقت را به خوبی میدانند که رژیم اسلامی و سردمداران آن در ادوار گذشته برای خاموش کردن صدای مخالف دست به چه اقدامات و جنایاتی زده اند.

با توجه به این مهم، عمال جمهوری اسلامی نشان داده اند که وحشت بسیاری از رسانه ای شدن جنایاتشان دارند و همواره سعی کرده اند به نوعی در سکوت رسانه ای قرار بگیرند

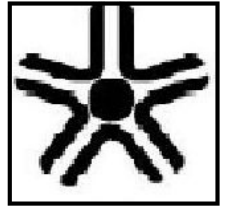
زهر کاطمی و...

واکنش و اظهارات مسئولان قوه قضاییه و در راس آنها صادق لاریجانی در مشاهده کبودی در نقاطی از بدن همانند کمر و پا و برخورد با عوامل احتمالی در صورت اثبات قتل، پرواضح بود که رژیم در حال فرار به جلو میباشد در همان حال اظهار نظرات مختلف از داخل نظام مبنی بر احتمال کم مرگ زیر شکنجه و احتمال دلایل دیگر نشان از هماهنگی مسئولان داشت برای سرپوش گذاشتن بر جنایتی دیگر؛ در پایان هم بیانیه پزشکی قانونی (که عدم استقلال آن و فشار از بالا از قبل مشخص بود) در بیان عدم اثبات مرگ به صورت شکنجه و پیدانشدن شواهدی از خفگی و مسمومیت یا غیر عادی بودن مرگ، این سناریوی تکراری نظام را کاملاً به پایان خود نزدیک کرد. در اینجا لازم به یادآوری

اطلاعیه شماره ۸ همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

یک موفقیت برای پناهجویان در استان هسن آلمان

"قانون محدودیت رفت و آمد" در استان هسن آلمان لغو شد!



به نوشته روزنامه "فرانکفورتر آلتگماینه" قانون محدودیت رفت و آمد، برای پناهجویان در استان هسن آلمان لغو شد. براساس این خبر پارلمان استان هسن به دنبال گسترش اعتراضات پناهجویان، بویژه تحصن سه هفته ای پناهجویان ایرانی در شهر فرانکفورت، ناچار شده است این قانون را لغو نماید. براساس این خبر پناهجویان می توانند در این استان بدون محدودیت رفت و آمد نمایند. لغو این قانون یک موفقیت برای پناهجویان می باشد. قانون مذکور هنوز در برخی از استانهای

آلمان جاری می باشد. در ماههای اخیر اعتراضات و مبارزات گسترده ای در اعتراض به شرایط ضد انسانی پناهندگی در آلمان آغاز گشته است. نقطه اوج این اعتراضات تحصن پناهجویان ایرانی از ۱۹ مارس سال ۲۰۱۲ در ورتسبورگ بود که در ادامه این اعتراضات تبدیل به یک جنبش وسیع و اجتماعی با حمایت دهها سازمان و گروه مدافع حق پناهندگی شده است. خواست

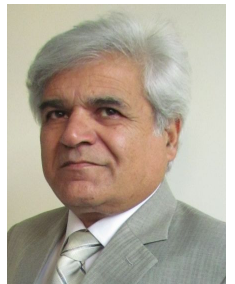
لغو" قانون محدودیت رفت و آمد"، یکی از خواستههای این جنبش در کنار خواستههایی چون لغو دیپورت، بستن کمپهای پناهندگی و رسیدگی فوری به تقاضای های پناهندگی و... می باشد. همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان این موفقیت را به همه پناهجویان و همه مبارزان و مدافعان حق پناهندگی تبریک می گوید. ما در عین حال تاکید می کنیم برای لغو کامل و کلی



بهروز بهاری مشاور امور پناهندگی فدراسیون پناهندگان ایرانی در انگلستان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۹۱۵۱۷۸۲۱۹

مردم دیگر فریب محرم و صفر و خرافات نمی خورند



محمد تقی فرهانی

کرده و مدتی آنان را سرگرم می کنند تا به مصیبت هایی که از هر طرف به آنان وارد می گردد فکر نکنند و با مغز شویی گروهی بقبولانند که محرم است باید گریست باید برسزد و بر سینه کوبید چرا چون حسین کشته شده است. یکی نیست به این بی خردان بگوید اگر حسین به خاطر دین کشته شده و با خون خود اسلام را آبیاری کرده است و به خواسته هایش رسیده که باید این ماه را جشن گرفت و به پایکوبی پرداخت مگر ایران در طول انقلاب آن همه کشته نداد پس چگونه است که در بهمن ماه دهه فجر درست کرده آید

و جشن میگیرید گویی در این روز هیچ اتفاقی نیفتاده و صدها پیر و جوان و کودک در درگیری ها به شهادت نرسیده اند اما هزار و چند صدسال پیش واقعه ای با هر ایده و عقیده ای به وقوع پیوسته که هیچ ربطی به زندگی امروز ما ندارد ولی با برنامه ریزی دقیقی که رژیم ملاحا کرده نهایت استفاده را نموده تا افکار عمومی را از آن چه در کشور می گذرد منحرف نمایند و به فکر کسی خطور نکند که در آن روی سکه چه می گذرد و این دمنشان با جوانان ما این نسل آینده ساز چه می کنند و چگونه نفسها را در سینه خفه می کنند و با کوچکترین اعتراضی در هر گوشه ای از ایران به شدت برخورد میشود و هر صدای آزادیخواهی را با ضرب و شتم و زندان و شکنجه و در نهایت با قتل آزادیخواهان جواب می دهند و در آخرین مورد به قتل آوردن جوانی بنام ستار بهشتی که فقط به جرم بیگناهی به خانه اش ریختند و باغارت کردن لوازم شخصی اش او را با دستبند برده و به زندان افکندند و آن قدر او را شکنجه نمودند که بر اثر جراحات وارده جان باخت. این است برکات اسلام و مشتکی آخوند دزد و غارتگر که سالهاست شاهد ثراتش می باشیم. مردم ایران باید

هشیار و آماده باشند. برای خنثی سازی طرفند های ملاحا باید با ایجاد مراسم شادی و سرور ویر پایبی جشن وهل هله و شادی مثل نوروز و چهارشنبه سوری، خاری درچشمان این دزدان و غارتگران شویم که سالهاست مملکت را چپاول می کنند و مردم ایران را با فقر و فلاکت بیسابقه ای رو برو ساخته اند. باید به این وضعیت پایان بدهیم و بر ویرانه های پس از جمهوری اسلامی، ایرانی عاری از زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب سیاسی برپا کنیم. آن روز نزدیک است. زنده باد آزادی

ادامه گزارش برگزاری ...

از صفحه ۱

گذشته ما نشان می دهد، پناهجویان درپروسه گرفتن اقامت با مشکلات زیادی روبرو بوده اند و این مسئله ما را به این نتیجه می رساند که با برنامه ریزی بهتر و انسجام بیشتر و کارآمدتر بتوانیم پناهجویان را بهتر از سالهای گذشته برای دفاع از حقوق پناهندگی خود متشکل و سازماندهی کنیم.

وی گفت: برای سازماندهی بهتر ابتدا باید مشکلات اساسی بر سر راه پناهجویان را شناسایی کرد و به آن به صورت زیر پاسخ داد.

۱- تجربه نشان داده که بسیاری از پناهجویان در موقع درخواست پناهندگی و ارائه دلایل پناهندگی خود، نتوانسته و یا نمی توانند دلایل قانع کننده ای در مصاحبه خود با مسئولین و مقامات امور پناهندگی ارائه دهند.

۲- پناهجویان حتی در مصاحبه و در جلساتی که با وکیل خود برگزار می کنند برای ارائه دلایل و مدارک خود با مشکلات زیادی روبرو می شوند و نمی توانند اعتماد آنها را به دلایل پناهندگی خود جلب کنند. به همین دلیل پناهجویان بطور پراکنده و نامسجم دلایل پناهندگی خود را ارائه می دهند.

۳- پناهجویان حتی در ارائه مدارک خود دچار اشتباهات فاحش و جبران ناپذیری می شوند. برای مثال در بسیاری از موارد مدارکی را که ارائه می

دهند با دلایلی که ارائه می دهند همخوانی ندارد.

۴- بسیاری از پناهجویان از



قوانین پناهندگی و شرایط و معیارهای پذیرش پناهندگان و پروسه پذیرش آنها و معیارهای بررسی مجدد پرونده های خود کمترین اطلاعاتی که لازم باشد ندارند. برای مثال نمی دانند يك پرونده پناهندگی از چه زمانی شروع می شود و طی چه پروسه ای پرونده آنها بسته می شود؟

اینها بخشهایی از مشکلات پناهجویان است که از سوی مسئولین فدراسیون به اختصار گفته شده است. اندیشه علی شاهی در بخش دیگری از صحبت های خود به چند نکته به

۱- تشکیل هیئت مدیره پنج نفره برای اداره و رهبری آتی فدراسیون واحد استکهلم

۲- افزایش زمان جلسات هفتگی فدراسیون از يك ساعت به دو ساعت در هفته

۳- برگزاری جلسات اطلاع رسانی و مشاوره حقوقی با پناهجویان.

۴- برگزاری جلسات با حضور وکلای امور پناهندگی و نمایندگان احزاب سوئدی، دولتی و غیر دولتی و فارسی و سوئد زبان.

۵- برگزاری جلسات به منظور مشاوره های پزشکی (خدمات درمانی)

۶- برگزاری جلسات مشورتی با اکتیویست ها و مدافعین حقوق پناهندگی

۷- برگزاری جلسات بررسی قوانین پناهندگی با حضور نمایندگان و فعالین فدراسیون

۸- تهیه مکان مناسب برای تشکیل جلسات مستقل فدراسیون با پناهجویان

۹- برگزاری دبات با حضور نمایندگان احزاب و سازمانها و اداره مهاجرت دو بار در سال

اندیشه در بخش دیگری از سخنان خود به بخش های دیگری از وظایف هیئت مدیره دوره آتی فدراسیون به شرح زیر اشاره کرد.

۱- تشکیل کمیته عضوگیری

۲- تشکیل ستاد تبلیغات (رادپوها، روزنامه ها، کنفرانس ها، جشن ها.....)

۳- تشکیل گروه مشاوره (گروه های پزشکی، وکلا،.....)

۴- تشکیل جلسات هیئت مدیره بطور ماهانه. اینها بخشهای از طرح پیشنهادی اندیشه علی شاهی به کنفرانس واحد فدراسیون در استکهلم بود.

سخنران دیگر کنفرانس عبدالله اسدی دبیر سراسری فدراسیون بود. عبدالله اسدی در این کنفرانس پلاتفرمی را که برای دوره آتی فعالیت فدراسیون تهیه کرده بود به کنفرانس معرفی کرد و اعلام کرد: "تلاش

اندیشه گفت: تجربه سالهای

به دنبال گزارش سارا نخعی

اندیشه علی شاهی سخنگوی فدراسیون در استکهلم نیز يك پلاتفرم پیش نهادی را برای دوره آتی فعالیت فدراسیون واحد استکهلم به کنفرانس ارائه داد.

اندیشه گفت: تجربه سالهای

ادامه مصاحبه نشریه همبستگی با شهناز... از صفحه ۱

تاریخچه اوجگیری این اعتراضات پیردام باید به چندین ماه قبل و در واقع به روزی که در شهر ورتسبورگ اولین چادر اعتصاب پناهجویان را برپا کردیم در شهری که بعثت شرایط ضد انسانی و ضد پناهنده پذیری باعث شد که محمد رهسپار پناهجوی ایرانی در روز ۲۹ ژانویه دست به خودکشی بزند و تصمیم ما با پناهجویان برای یک حرکت اعتراضی که با تحصن و اعتصاب در روز ۱۹ ماه مارس شروع شد و در واقع ما دست به مبارزه ای برای تغییر شرایط و قوانین پناهندگی زدیم.

همبستگی: شما به همراه مسعود حسن زاده از دیگر مسئولین فدراسیون در آلمان همزمان با آغاز شروع راهپیمایی پناهجویان از ورتسبورگ به شهر برلین با پارلمان محلی آلمان در استان بایرن بر سر خواسته های پناهجویان به مذاکره نشستید. مهمترین خواسته هایی که در آن نشست مطرح کردید، شامل چه مسائلی بود و آنها در پاسخ به خواسته های شما چه پاسخی دادند؟ چه شد که بعد از این نشست در شهر فرانکفورت باز هم برای یک مدت طولانی پناهجویان را به تحصن فراخواندید؟

شهناز مرتب: دعوت پارلمان استان بایرن در واقع بعد از

تحویل بیش از ۳۰۰۰ امضا برای تغییر شرایط برای پناهجویان در استان بایرن که در طول اعتصاب توسط مردم و تحویل آن به پارلمان و همینطور درخواست یکی از نمایندگان مجلس از حزب سبز آلمان که در طول اعتصاب ما این حرکت را حمایت کرده بود و در کنار ما بود برای تشکیل یک کمیته بررسی در مجلس استان بایرن که این کمیته که شامل ۴۰ نماینده بود در ماه آگوست تشکیل شد که مسعود حسن زاده و من از طرف پناهجویان دعوت شدیم و در آنجا تمام خواسته های پناهجویان مورد بررسی قرار گرفت و سپس برای بررسی مجدد به مجلس آلمان در برلین فرستاده شد.

همبستگی: آیا در طول تحصن پناهجویان در فرانکفورت احزاب و مقامات دولتی در آلمان عکس العملی در قبال اعتراض پناهجویان نشان دادند؟

شهناز مرتب: از روزهای اول شروع این حرکت در فرانکفورت، ما با استقبال و حمایت های بسیار زیادی روبرو شدیم؛ چه از طرف مردم و همینطور از طرف احزاب مختلف سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی دانشجویان دانشگاههای استان هسن و در واقع ما با حمایت های بسیار زیادی روبرو شدیم این مسئله قرار است به زودی مورد بررسی قرار بگیرد ولی هنوز ملاحظات رسمی صورت نگرفته است.

همبستگی: آیا شرکت

مقتضیان پناهندگی در تحصن فرانکفورت چشمگیر بود اگر نه چه دلایلی باعث می شد به طور وسیعتری در این تحصن شرکت نکنند؟

شهناز مرتب: شروع این تحصن با ۱۳ نفر شروع شد ولی در جریان تحصن تعداد زیادی پناهجو از شهرهای مختلف به ما پیوستند و در واقع استقبال زیادی از طرف پناهجویان صورت گرفت. علیرغم هوای نامناسب و طوفانی، بارانهای مداوم و سرمای زیاد ولی با قلبی پر امید برای تغییر شرایط غیر انسانی مقاومت ما برای ادامه مبارزه بیشتر میشد.

همبستگی: قرار بود روز یکشنبه ۱۱ نوامبر به این تحصن پایان بدهید آیا از انعکاس آن در مدیای آلمانی و فارسی زبان و در مجموع از انعکاس آن راضی هستید؟

شهناز مرتب: از انعکاس آن واقعیتش زیاد راضی نیستم و در اصل من شخصا زیاد موافق پایان این تحصن نیستم و نبودم و در واقع پایان تحصن، پایان این اعتراضات نیست و نخواهد بود. این مبارزه برای گرفتن حق پناهندگی تا رسیدن به خواسته های ادامه خواهد داشت و در واقع فرم این مبارزه تغییر خواهد کرد ولی مبارزه ادامه دارد.

همبستگی: از نظر تامین امکانات و ادامه چادر تحصن چطور پیشرفت؟

شهناز مرتب: همانطوریکه بیشترین حمایتها را ما در خیابانها دیدیم از مردمیکه انسانیت را نمایندگی میکنند اتفاقا تامین این مخارج و تامین امکانات هم از طرف همان انسانها بوجود آمد و خوشبختانه این حمایتها بیدریغ و کاملاً چشمگیر بود و از این نظر برای ادامه این حرکتها فضا و امکانات کاملاً مهیاست.

همبستگی: نقش سازمانها و نهادهای آلمانی مدافع حقوق پناهندگی و حمایت آنها از خواسته های پناهجویان را چگونه ارزیابی می کنید.

شهناز مرتب: خوب بظن من کاملاً مثبت است و تاثیرگذار و در واقع خیلی از وظایف به عهده آنهاست و در تقسیم کارهای این مبارزه آنها بیشترین وظایف را به عهده گرفته اند و در واقع ما سازماندهی میکنیم.

همبستگی: چشم اندازتان از این حرکت چیست؟ فکر می کنید این اعتراضات در روزها و ماههای آتی بازهم گسترش پیدا کند؟ آیا فدراسیون برنامه ای برای گسترش این اعتراضات دارد اگر دارد خیلی مختصر و کوتاه توضیح دهید در چه اشکالی میخواید به این اعتراضات دامن بزنید؟

شهناز مرتب: این مبارزات بی شک گسترش پیدا خواهد کرد و ادامه خواهد داشت. این مبارزه از ورتسبورگ شروع شد و ما آن را آغاز کردیم و دامنه این

اعتراضات تا قلب برلین ادامه پیدا کرد و تصویر روشنی را در مقابل پناهجویان قرار داد و امید به تغییر برای یک شرایط انسانی امیدی که برای تمامی پناهجویان قابل لمس بود که با یک حرکت متشکل و سازمان یافته و متحد میشود این سیاستهای ضد انسانی و دشوار را عوض کرد و به این وضعیت پایان بخشید.

**ایران تحت
حاکمیت
جمهوری
اسلامی
کشوری
امن نیست،
هیچ
پناهجوی
ایرانی
نباید به
ایران
بازگردانده
شود**

دنایی بهتر و شادابتر در برقراری یک حکومت انسانی ممکن است

ادامه خطوط کلی ...

از صفحه ۲

۱- برای پاسخ به تلفن ها و دادن مشاوره به متقاضیان پناهندگی روزها و ساعت های مشخصی را در طول هفته اعلام کند.

۲- تهیه و تنظیم يك جزوه اطلاعاتی برای راهنمایی متقاضیان پناهندگی، بطوری که هرکس درخواست مشاوره و راهنمایی کند عین جزوه برایش ارسال شود و از وی خواسته شود که چنانچه قصد درخواست پناهندگی دارد آن را با دقت مطالعه کند و بر مبنای آن عمل کند.

این جزوه کمک می کند که از میزان تلفن ها و مشاوره های تلفنی و خسته کننده کاسته شود. تلاش فدراسیون این است که این جزوه را بزودی آماده کند و در دسترس متقاضیان پناهندگی بگذارد.

۳- در همین رابطه تهیه جزوه دیگری شامل ۲۰ تا ۲۵ سؤال کلیدی که در پاسخ به سئوالات و نامه های متقاضیان پناهندگی نوشته شده در دستور کار فدراسیون قرار می گیرد. خوبی این جزوه ها این است که دست به دست می چرخد و کیفیت و اعتبار و استاندارد کار فدراسیون را نیز بالاتر می برد و به متقاضیان پناهندگی خط و جهت درستتری می دهد.

۴- از طریق مصاحبه های تلویزیونی: این مصاحبه ها باید کمک کند که دانش متقاضیان پناهندگی را نسبت به پروسه ای

که در آن قرار می گیرند بالا ببرد. ۵- اختصاص صفحاتی از سایت فدراسیون و نشریه همبستگی بعنوان ابزارهای مهم و لازم برای ارتقا هر چه بیشتر سطح کار فدراسیون در امر مشاوره با متقاضیان پناهندگی. به هر اندازه بتوانیم این نقشه را عملی کنیم به همان اندازه نیز دست و بال فدراسیون برای صدور اطلاعیه و نامه به مقامات اداری و رسیدگی به فعالیت واحدها و کارهای کمپینی بازتر می شود.

۶- نقشه فدراسیون این است که در طول شش ماه آینده شکل کار کمپینی و مبارزاتی فعالیت خود را در سطح نسبتا بالاتری سازماندهی کند، به این بخش از فعالیت، نیروی بیشتری اختصاص دهد و هر جا که ممکن است به نیروی خود پناهجویان متکی شود، راه را برای ارتقای کارهای کمپینی و مبارزاتی فدراسیون باز کند، به هر اندازه که ممکن است با فعالین جنبش ۹۹ درصدیها ارتباط برقرار کند و از نیروی آنها برای دفاع از حقوق پناهندگی و نوع دوستی و حقوق برابر و شهروندی استفاده کند.

علاوه بر این با اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگان ارتباط بگیرد و نیروی آنها را به کمک بطلبد. برای ارتقای هر چه بیشتر سطح کار فدراسیون لازم است به نکات دیگری در این نقشه عمل بشرح زیر توجه نمود از جمله عضوگیری حرفه ای و دخیل کردن افراد در فعالیت های

فدراسیون همراه با میزان توانایی، امکانات و خلاقیت های افراد، سازماندهی آکسیون ها، ترجمه و درخواست کمک از تعدادی مترجم برای ترجمه تائیدیه ها و نامه های فدراسیون و در مجموع استفاده از امکانات مردمی برای پیشرفت سریعتر کار پناهجویان.

کارهای کمپینی فدراسیون باید دقیق و زمانبندی شود، برای مثال اگر قرار است در دو ماه آینده راجع به دیپورت پناهجویان در آلمان یا هر جای دیگر تظاهراتی صورت گیرد در این دو ماه باید در مشاوره های تلفنی و حضوری و به هر شکل ممکن برای آن تبلیغ شود و کلیه امکانات مردمی در خدمت به آن بکار گرفته شود.

کار در مدیای اجتماعی، جلب توجه افکار عمومی، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی و تهیه کلیپ و کار در فیسبوک و تماس با رسانه های فارسی زبان. تشکیل جلسات منظم با مسئولین واحدها و بطور مشخصتر تماس با شهناز مرتب و مسعود به منظور گسترش کار فدراسیون در آلمان، طرح مطالبات فدراسیون آلمان به زبان آلمانی.

تامین حضور فدراسیون در سوئد به زبان سوئدی. طبعا برای تامین همه این عرصه ها همین امروز فدراسیون احتیاج به کسانی دارد که بعنوان دستیار، مشاور، سخنگو، هدایت و سازماندهی کار کمپین ها، اداره سایت، اطلاعیه نویسی و ترجمه، مشاوره و پاسخ به نامه

ها مسئولیت بگیرند. ۷- فدراسیون لازم است از همین امروز لیستی از افراد را تهیه کند و با آنها برای همکاری در زمینه های مختلف تماس بگیرد و آنها را به فعالیت در فدراسیون دعوت کند.

فدراسیون به تعداد زیادی افراد در زمینه ترجمه به زبانهای مختلف از جمله فارسی به انگلیسی، همکاری در زمینه راه اندازی و اداره سایت از جمله سایت انگلیسی، سوئدی و فارسی، همکاری با نشریه همبستگی در زمینه گردآوری اخبار و اطلاعات جدید پناهندگی و پاسخ به نامه های متقاضیان پناهندگی و نوشتن تائیدیه های فدراسیون نیاز دارد.

در بالا اشاره کردم که بطور روزانه بیش از ۵۰ نفر از پرمشکل ترین انسانها برای رفع مشکلاتشان به فدراسیون مراجعه می کنند و از این سازمان تقاضای کمک می کنند.

پناهجویانی که در بازداشتگاه ها در انتظار دیپورت بسر می برند، کسانی که فوج فوج پاسخ رد دریافت می کنند و از ترس پلیس خود را قائل می کنند و از فدراسیون می خواهند برایشان کاری انجام بدهد، کسانی که رهنمائی و مشاوره می خواهند و اصلا بلد نیستند دلایل قابل قبولی به مقامات و مراجع پناهنده پذیر ارائه بدهند، افرادی که هر روزه برای گرفتن يك نامه تائیدیه از فدراسیون از جای جای جهان زنگ می زنند،

پناهجویانی که بطور سیستماتیک دلایل درخواست پناهندگی شان از سوی دفاتر سازمان ملل و ادارات امور پناهندگی بسته می شود و اجازه کار و کارت شناسائی و محل سکونتشان پس گرفته می شود و به خیابانها رها می شوند و با بسیاری از مسایل و مشکلات دیگر در ابعادی بسیار وسیع به فدراسیون مراجعه می کنند.

فدراسیون باید بتواند این همه افراد را حول خواسته های انسانی شان سازمان دهی کند. کلیه واحدهای محلی و کشوری لازم است فعالیت های خود را بر مبنای این پلتفرم سازمان سازمان بدهند

تورکیه

فدراسیون در ترکیه با توجه به تماسهای فراوان از آنجا باید قویتر گردد. افراد زیادی مرتب تماس می گیرند و در مورد کیس و دلایل پناهندگی شان راهنمایی می گیرند ولی نتوانسته ایم نیروی آنها را برای فعالیت ها و تحرك بیشتر فدراسیون در ترکیه سازمان بدهیم.

قرار است من و رفیق سیامک بهاری بزودی برای سر و سامان دادن به وضعیت فدراسیون در ترکیه برنامه ریزی کنیم و در درجه اول کلیه ارتباطات جدید و قدیم را زنده کنیم و بطور عملی تر در ترکیه کار کنیم. کیفیت فعالیت فدراسیون در سوئد به یمن وجود شخصیت های بسیار محبوب و شناخته شده در رأس

ادامه صدها نفر ... از صفحه ۱



چپ آلمان آستای دانشگاه فرانکفورت آنتی فاشیست های فرانکفورت فراخوان داده بودند. تظاهرات با طی مسیرهایی در خیابانهای مرکزی شهر، همراه با سردادن شعارهایی در حمایت از خواستها و مطالبات پناهجویان ادامه پیدا کرد. در طول مسیر تعداد زیادی از مردم به این راهپیمایی ملحق شده و تظاهرات پناهجویان متحصن را همراهی کردند. راس ساعت ۳ بعد از ظهر تظاهرات کنندگان، ضمن تجمع در محل مرکزی تظاهرات، با سخنرانی

شهناز مرتب دبیر فدراسیون برای شرکت کنندگان، ادامه یافت. شهناز مرتب در این سخنرانی ضمن تاکید بر ضرورت رسیدگی فوری به خواستها و مطالبات پناهجویان، تاکید کرد که

گزارش و خبر از آن تهیه کرد. در ادامه خبرنگار این روزنامه باشهناز مرتب مصاحبه انجام داد. همچنین "رادیو ایکس" با دبیر فدراسیون مصاحبه کرد. در ادامه حمایتها از مبارزات پناهجویان روز دوشنبه ۵ نوامبر هیئتی از نمایندگان مجلس استان بایرن آلمان ساعت ۱۲ بعنوان همبستگی با پناهجویان متحصن بطور رسمی به فرانکفورت آمدند. از جمله برنامه های در دست فدراسیون تلاش برای بوجود آوردن امکان مذاکره با مسئولان استان هسن برای رسیدگی به خواستهای پناهجویان می باشد. در همین ارتباط روز دوشنبه لیست اسامی متحصنین در نامه ای

سرگشاده و رسمی تحویل مقامات استان هسن داده شد. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان ضمن تاکید بر ادامه مبارزات پناهجویان اعلام می کند که این تحصن تا رسیدن به خواستهایشان ادامه خواهد یافت. ما همه پناهجویان، احزاب و سازمانهای مدافع حق پناهندگی را فرا می خوانیم که برای گسترش و تقویت این مبارزات، برای رسیدن به خواستهای برحق این جنبش اعتراضی جاری، به صف این اعتراضات بپیوندند.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

ادامه خطوط کلی ... از صفحه ۱۰

آن همیشه قابل توجه بوده است. چه کسانی با فدراسیون کار می کنند؟ افراد زیادی در زمینه های مختلف کم و بیش با فدراسیون کار می کنند که من لازم میدانم

به تعداد مشخصی از آنها اشاره کنم. مریم طاهری، اسماعیل اوجی، فاضل نادری و ناصر شیشگر در زمینه ترجمه، شراره میرزائی در آمریکا دوباره برای مسئولیت نوشتن تائیدیه های ترکیه اعلام آمادگی کرده است. مسئول سایت مینا مولوی است. مسئول نشریه همبستگی نازنین صدیقی میباشد. سارا

نخعی دبیر فدراسیون استکهلم، اندیشه علیشاهی سخنگوی فدراسیون استکهلم، بهنام آزاد مسئول فدراسیون گوتنبرگ، فاضل نادری مسئول فدراسیون مالمو و بسیاری از کارهای اداری، مسئول انگلیس در حال حاضر بهروز بهاری، کانادا ایرج رضائی، نروژ بهمن قربانی و ریحانه قولی زاده، سیدنی

استرالیا ارسلان ناظری و آلمان شهناز مرتب مسئول فدراسیون میباشد و مسعود حسن زاده سخنگوی فدراسیون آلمان است. در آلمان بخاطر اعلام آمادگی شهناز مرتب برای گرفتن مسئولیت فدراسیون در آن کشور و دوم بدلیل تحصن پناهجویان در ورتسبورگ و دخالت موثر فدراسیون فعالیتهای زیادی در

آن کشور صورت گرفت. از ۸ سپتامبر نیز یک کاروان اعتراضی از پناهجویان و مدافعان حقوق پناهندگی از ورتسبورگ به طرف برلین در حال سپری کردن مسافت ۴۲۰ کیلو متر راه است.

عبدالله اسدی
دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

ادامه جمهوری اسلامی و ... از صفحه ۶

میباشد که علیرغم تمام مشاهدات و مستندات و اظهارات خانواده آن مرحوم و اشارات خود مرحوم ستار بهشتی مبنی بر تهدید و ارباب قبل از دستگیری و شکنجه و

آزار بعد از دستگیری، همراه با شهادت زندانیان بند ۳۰۵ از مشاهداتشان از آثار شکنجه شدید بر روی مرحوم ستار بهشتی، جمهوری اسلامی بازهم تلاش کرد خود را کاملا بیگناه و عاری از هرگونه خطا و ظلم و جنایتی جلوه دهد ولی حقیقتی که رژیم نمیتواند از آن بگریزد این است که عوامل و

نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی و در راس آنها شخص علی خامنه ای مسئول قتل ستار بهشتی و تمامی جانبختگانی هستند که اسیر دست جلادان سرکویگر رژیم ظالم اسلامی شدند و با این اقدامات نخ نما شده رسانه ای نمیتوانند خود را تبرئه یا افکار عمومی را متقاعد با

اقدامات خود کنند و ناگزیرند به خاتراینگونه جنایات که از بدو تشکیل این حکومت نامیون شروع شده و تاکنون ادامه داشته پاسخگو باشند و مسلما روزی خواهد رسید که در برابر قانون و مردم و خانواده های مظلوم و داغ دیده قرار گیرند و ما هیچگاه فراموش نخواهیم کرد جنایات این رژیم خونخوار را و مطمئنا

این جنایت اخیر هم همچون دفعات قبل لکه ننگی بود بر پیکره نظام اسلامی و تنفر بیش از پیش همگان را در برداشت.

**سرنگون باد
حکومت
جنایت اسلامی**



دست گلی را به وی تقدیم کرد و همبستگی، فدراسیون سراسری کنفرانس درمیان شور و شوق پناهندگان ایرانی- واحد شرکت کنندگان به کار خود پایان استکھلم داد .

انتخاب شدند که عبارتند از: آزاده بادله، اندیشه علیشاهی، بدری طیبی، سارا نخعی، سودابه محمد نژاد، کیوان حسن نژاد، فروغ فیلی، مریم ابراهیمی.

هیات منتخب کنفرانس در اولین نشست خود سارا نخعی را به عنوان دبیر فدراسیون استکھلم انتخاب کردند.

در پایان سارا نخعی از طرف فدراسیون از زحمات عبدالله اسدی و شرکت وی در کنفرانس قدرانی کرد و از طرف کنفرانس

مسائل مهم پناهندگی مطرح می کردند پاسخ داد و مورد استقبال گرم آنها قرار گرفت. در روز یکشنبه قبل از شروع کنفرانس نیز از ساعت ۱۱ تا ۱۳ با شماری از پناجویان که از قبل وقت ملاقات گرفته بودند ملاقات کرد و به طور فردی به سئوالات آنها پاسخ داد.

بخش آخر کنفرانس انتخابات برای هیات مدیره فدراسیون - واحد استکھلم بود. در این کنفرانس ۸ نفر به عنوان عضو هیات مدیره فدراسیون استکھلم

ادامه گزارش برگزاری ...

از صفحه ۸

من این است که کلیه واحدهای فدراسیون فعالیت های خود را بر مبنای این پلاتنفرم متمرکز کنند. این پلاتنفرم در شماره ۶۰ نشریه همبستگی منتشر می شود. لازم به ذکر است که روز جمعه ۲۶ اکتبر نیز عبدالله اسدی در یک جلسه گفت و شنود با پناجویان شرکت کرد و به سئوالات متعددی که متقاضیان پناهندگی در مورد

ادامه یک سؤال ...

از صفحه ۱

زندانت تمام شده بود؟ شکل داخل و بیرون زندان چگونه است؟ در زندان اجازه ملاقات داشتید؟ در چه بندی بودید؟ به چه جرمی زندانی شده بودید؟ نحوه دستگیری، آیا برای شما نامه فرستاده بودند، در محل کار دستگیر شدید و یا در منزل؟ در چه هنگامی شب یا روز؟ مامورینی که شما را دستگیر و یا جلب کردند چند نفر بودند؟

چگونگی پاسخ به این سئوالات برای متقاضیان پناهندگی بسیار مهم و سرنوشت ساز است. در ادامه همین سئوالات می پرسند: به وسیله چه نیرویی دستگیر شدید؟ نیروی انتظامی، امر به معروف و یا نهی از منکر، مفسد اجتماعی و یا لباس شخصی ها و یا وزارت اطلاعات؟ توجه داشته باشید که هر کدام از آن نیروها برای وظایف و ماموریت های مشخصی ساخته شده اند، و کلای سازمان ملل و مسئولین

و مقامات اداری این را می دانند. برای نمونه شما نمی توانید بگوئید ماموران امر به معروف من را به جرم فعالیت سیاسی دستگیر کرده اند.

معمولا کسانی که بجرم فعالیت سیاسی دستگیر و یا بازداشت می شوند بیشتر از سوی وزارت اطلاعات، لباس شخصی ها، مامورین آگاهی و اگر در خیابان و در حال تظاهرات و اعتراض خیابانی باشد از طریق بسیج و نیروی انتظامی صورت می گیرد.

آیا اشخاص دیگری نیز در ارتباط با شما دستگیر شده اند، اگر ممکن است نام ببرید؟ آیا هنگام تفتیش منزل شما، مأمورین اسناد و یا مدارکی که جرم شما را اثبات کند پیدا نموده اند؟

از قبیل کتاب، نشریه، CD هار دیسک کامپیوتر، دفتر صورت جلسه و نوار سخنرانی و غیره.

تاریخهایی بوده؟ چند روز، چند ماه و یا چند سال زندانی بودید؟ زندان و یا بازداشتگاهی که شما در آن قرار داشتید در کجا قرار دارد؟ آیا در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفته بودید؟ آیا مدارکی را که نشان دهد شما در زندان بوده اید به همراه خود دارید؟ آیا می توانید کروکی زندان و یا بازداشتگاهی که در آن بسر می بردید را بکشید؟

می دانید چند تا زندانی در زندان شما بودند؟ آیا شاهد شکنجه یا اعدام دیگران بوده اید اگر بوده اید شاهد شکنجه و یا اعدام کدام یک از زندانیان بوده اید؟ آیا در طول پروسه زندان هیچ وقت تقاضای مرخصی کرده اید؟ چند روز مرخصی گرفته بودید؟ بعد از چند وقت از زندان آزاد شدید؟ با قید ضمانت بوده یا کلا حکم

همبستگی، نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی است. این نشریه متعلق به همه زنان و مردانی است که از جهنم جمهوری اسلامی به تنگ آمده اند و از آن گریخته اند، متعلق به تمام آزادیخواهان و برابری طلبان است. این نشریه متعلق به کسانی است که حق پناهندگی را حق طبیعی هر انسانی میدانند. برای همبستگی، مطلب، خبر و گزارش بفرستید.

پست الکترونی تماس با نشریه:

hambastegiifr@gmail.com

سایت همبستگی:

www.hambastegi.org

صفحه همبستگی در فیسبوک:

<https://www.facebook.com/HambastegiIFR>